

تربیت عبادی از منظر قرآن*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و حمید نجفی جزه‌ای***

چکیده

یکی از ابعاد علمی و اخلاقی قرآن شیوه تربیت عبادی آن است. این نوشتار درصدد است تا با بیان مبانی، ابعاد، اهداف، ویژگی‌ها و موانع تربیت عبادی مبتنی بر آیات قرآن، تصویری از نحوه و چگونگی تربیت عبادی قرآن را به تصویر بکشد و روش قرآن را در رشد دادن و تربیت انسان‌ها در مسیر عبودیت و بندگی مطرح سازد؛ از این‌رو، بعد از مفهوم‌شناسی عبادت و تربیت به مبانی تربیت عبادی در قرآن همچون خدامحوری، فقر ذاتی انسان، ابعاد تربیت عبادی از قبیل عقلانی، جسمانی و اجتماعی - سیاسی بودن عبادت، اهداف تربیت مانند لقاء الله، ویژگی‌های تربیت عبادی خاضعانه، خالصانه، عالمانه، عاشقانه و... و نیز موانع و آسیب‌های تربیت عبادی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، تربیت، عبادت، تربیت عبادی، مبانی تربیتی، اهداف تربیت.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۳/۲۶

**. استاد جامعة المصطفی العالمیة rezaee@quransc.com

***. کارشناسی ارشد علوم قرآن h.najaf44@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم، یگانه معجزه جاوید پیامبر اکرم ﷺ و سند حقانیت مکتب و رسالت او، به عنوان کتاب هدایت و تربیت بشریت بر نبی مکرم اسلام ﷺ نازل شد. کتابی که برای رشد و تعالی انسان و رساندنش به کمالات والای انسانی و قرب الهی، در اختیار بشر قرار گرفت و قابلیت تربیت و رشد انسان را در همه ابعاد و ساحت‌های مختلف (اعم از بعد عقلانی، جسمانی، معنوی، اجتماعی، اعتقادی، اخلاقی و...) دارد. یگانه شرط رسیدن به این آرمان بلند، عمل به دستورات نورانی آن و دل دادن به آن است.

یکی از ساحت‌هایی که قرآن کریم، انسان را در آن بُعد تربیت می‌کند و رشد می‌دهد، بُعد معنوی و عبادی است تا آنجا که آیات توحیدی قرآن، بیشتر بر توحید در خلق و امر و توحید در عبادت و اطاعت (یکتا پرستی) تکیه دارد. اینکه انسان موجودی یکتا پرست باشد و روح عبودیت، بندگی و اطاعت‌پذیری از خالق هستی داشته باشد آن هم عبودیتی خالص و بی‌ریا که هدف خلقت (ذاریات/۵۶) نیز هست، اصالت عبادت و وسیله بودن آن برای رشد و تعالی انسان را مبرهن می‌سازد.

الف) مفهوم‌شناسی

۱- تربیت در لغت

تربیت را می‌توان از ریشه «رَبَّ» به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام یک شیء تا رساندن او به حد کمال و نهایت آن دانست (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی‌تا: ۳۳۶) یا آن را از ریشه «رَبَّو» یا «رَّیَّ أ» به معنای زیاد شدن، رشد، علو و ارتفاع دانست (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۸۷: ۴۸۳/۲).

۲- عبادت در لغت

عبادت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای غایت و نهایت تذلل است و از واژه عبودیت به معنای اظهار تذلل و خواری، بلیغ‌تر است و تنها کسی که مستحق عبادت است، موجودی است که در نهایت و غایت بزرگی و کمال قرار داشته باشد و آن موجود جز ذات باری تعالی نیست

(راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی تا: ۵۴۲).

برخی از لغت‌شناسان معنای عبادت را «اطاعت و فرمان‌برداری» دانسته‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۲۷۳/۳). یکی دیگر از لغت‌شناسان معاصر پس از بیان معنای عبادت آن را تکوینی، اختیاری یا قراردادی می‌داند (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱۳/۸).

۳- تربیت عبادی

با توجه به معنای لغوی این دو کلمه که بیان شد، «تربیت عبادی» به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل و خواری نسبت به پرورگار عالم در انسان‌هاست تا مرحله رساندن آنها به حدّ نهایی و کمال مقام عبودیت.

۴- عبودیت در اصطلاح قرآن

کلمه «عبد» در قرآن به چهار گروه اطلاق شده است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی تا: ۵۴۲).

الف) عبد در احکام شرعی و فقهی؛ یعنی انسانی که خرید و فروشش جایز است؛ مثل آیه ﴿عَبْدًا مَّملُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾ (نحل/۷۵).

ب) عبد در خلقت و ایجاد که مخصوص خداوند است؛ مثل آیه ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنَ عَبْدًا﴾ (مریم/۹۳).

ج) عبد در عبادت و خدمت که مردم در این بخش به دو قسمت تقسیم می‌شوند؛ یکی عبد خالص خداوند؛ مثل ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ...﴾ (فرقان/۶۳) و ﴿إِنَّ عِبَادِي...﴾ (حجر/۴۲)، و دیگری عبد دنیا و زخارف آن؛ مثل این کلام نورانی پیامبر ﷺ: «تَعَسَّ عَبْدُ الدَّرْهَمِ، تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ».

۸۷ دیگر اینکه عبودیت که به معنی تذلل و فرمانبرداری است در قرآن کریم، به دو گونه مطرح شده است:

اول) تکوینی: عبادت تکوینی آن است که همه موجودات عالم به طور قهری در برابر نظام مقرر و ثابت و برنامه تخلف ناپذیری که خداوند برایشان قرار داده، متواضع و تسلیم‌اند.

قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنَ عَبْدًا﴾

(مریم/۹۳)؛ یعنی «هیچ کس در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر اینکه بنده‌وار به سوی (خدای) گسترده‌مهر آید». یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (جمعه/۱؛ تغابن/۱)؛ یعنی «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند». شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «قرآن هر کاری را که هر موجودی (در جایی و در هر درجه‌ای که هست) انجام می‌دهد، تسبیح و عبادت می‌نامد. آن بر اساس این است که همه موجودات به سوی کمال می‌روند و کمال مطلق خداوند است؛ یعنی همه چیز به سوی خداوند در حرکت است» (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۴: ۷۴۳/۲۲).

دوم) ارادی و اختیاری: این نوع بندگی و عبودیت ویژه گروه خاص و جمعیت مخصوصی مثل انسان‌هاست که دارای اراده و اختیار باشند نه همه موجودات عالم هستی. قرآن خطاب به انسان می‌فرماید: ﴿اعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ (بقره/۲۱) که اشاره به همین نوع از عبودیت دارد. عبادات اختیاری نیز بر دو گونه است: عبادات محض و عبادات بالتبع. شهید مطهری با اشاره به این دو نوع عبادت اختیاری انسان‌ها می‌گوید: ما در اسلام دو جور کار داریم. یک کار را اصطلاحاً می‌گویند عبادات محض؛ یعنی کاری که مصلحتی غیر از عبادت ندارد مثل نماز؛ یک کارهای دیگر داریم که مصلحت‌های زندگی است و ما می‌توانیم آنها را به صورت عبادت در آوریم و باید هم درآوریم... (همان).

با توجه به این دو تقسیم‌بندی، در نوشتار حاضر، قسم سوم و چهارم از معنای عبودیت در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، و اینکه برای رسیدن به مقام عبودیت و بندگی و عبد واقعی خدا شدن و فاصله گرفتن از دنیا و پرستش آن، قرآن مجید چه روشی و راه‌کاری را پیشنهاد کرده و به چه نحو انسان را در این بُعد تربیت می‌کند.

۸۸ و نیز بحث ما در تربیت عبادی، مربوط به عبادات ارادی و اختیاری است که در نوشتار حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب) مبانی تربیت عبادی در قرآن

تربیت عبادی یکی از ابعاد و ساحت‌های موضوع تربیت می‌باشد؛ لذا تمامی مبانی عامّه (اعم فلسفی، علمی، دینی و...) که در بحث تربیت مطرح شده (ر.ک: مبانی التفسیر التربوی،

مجله قرآن و علم، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۳) در زیر شاخه‌های آن نیز مطرح می‌شود. لکن چون بحث نوشتار حاضر در خصوص «تربیت عبادی» است، به برخی از مبانی تربیت با رویکرد تربیت عبادی اشاره می‌کنیم:

۱. خدا محور بودن نظام خلقت

﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا﴾ (مریم/۹۳): «هیچ کس در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر اینکه بنده‌وار به سوی (خدا) گسترده‌مهر آید».

۲. فقر ذاتی انسان و غنی بالذات بودن خداوند عالم

﴿يَا أَيُّهَا الْغَاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر/۱۵): «ای مردم! شما به خدا نیازمندید و فقط خدا توانگر [و] ستوده است».

۳. خداوند؛ خالق، مدبّر و مربّی موجودات عالم و احوالات آنها

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ...﴾ (روم/۴۰): «خدا کسی است که شما را آفرید، سپس شما را روزی داد».

﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ...﴾ (انعام/۱۰۲): «این خدا پروردگار شماست. هیچ معبودی جز او نیست. آفریدگار هر چیزی است. پس او را بپرستید».

۴. انسان موجودی دو بعدی و دارای دو ساحت جسم و روح و اهتمام قرآن به تربیت روح

﴿... إِيَّا خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...﴾ (ص/۷۱-۷۲): «در واقع، من آفریننده بشری از گِل هستم و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم...».

﴿وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ...﴾ (هود/۵۲): «وای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید. سپس به سوی او بازگردید تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد و شما را نیرویی بر نیرویتان بیفزاید...».

با توجه به کلمه «ثُمَّ» در آیه شریفه که دلالت بر ترتیب به همراه تراخی دارد، معلوم می‌شود که انسان ابتدائاً باید به وسیله استغفار و توبه که از مصادیق مهم عبادت به شمار می‌رود، روح خود را از هر گونه آلودگی و پلیدی‌ها شستشو دهد و تربیت نماید که در پی آن برکات از آسمان بر انسان نازل می‌شود و موجب رشد بُعد جسمانی انسان می‌گردد.

۵. انسان؛ موجودی مختار و دارای قدرت انتخاب (در پذیرش راه خدا و بندگی او یا عدم آن)

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ الْقَبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا﴾ (انسان/۳)؛ «در واقع، ما او را به راه (راست) راهنمایی کردیم، در حالی که یا سپاس‌گزار است یا بسیار ناسپاس».

۶. هماهنگی تعالیم قرآن با فطرت انسان

در درون انسان، گرایش به خدا و پرستش وجود دارد و به وسیله آن می‌تواند خالق خود را درک کرده، به پرستش و راز و نیاز با او بپردازد. قرآن می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ الْإِنْسَانَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ...﴾ (روم/۳۰)؛ «پس روی (وجود) خود را حق‌گرایانه، به دین راست دار؛ (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست...».

۷. توجه به کرامت انسان در عالم هستی و رسیدن به کرامت خاصه الهی از طریق عبودیت
﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾ (اسراء/۷۰)؛ «و به یقین، فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (نیز ر.ک: صافات/۴۰-۴۲).

۸. سخت نبودن دستورات و تعالیم قرآن برای انسان و مطابقت آن با توان و طاقت بشری
﴿... وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...﴾ (حج/۷۸)؛ «او شما را برگزید و در دین (اسلام) بر شما هیچ تنگنایی قرار نداد».

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَهَا﴾ (بقره/۲۸۶)؛ «خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند».

۹. هدف‌مند بودن نظام خلقت بر محور عبادت و بندگی خدا

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)؛ «و جن و انسان را جز برای پرستش [خود] نیافریدم».

۱۰. انسان موجودی دارای تکلیف

﴿وَلَا تَكُلْفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (مؤمن/۶۲)؛ «و هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند».

۱۱. انحصار نفع و ضرر انسان در عالم هستی به خداوند

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَافِعَ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (یونس/۱۰۷)؛ «و اگر خدا (برای امتحان یا مجازات)، زبانی به تو رساند، پس جز او هیچ برطرف کننده‌ای برای آن نیست؛ و اگر نیکی‌ای برای تو اراده کند، پس هیچ برگرداننده‌ای برای بخشش او نیست؛ آن را به هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند) می‌رساند؛ و او بسیار آمرزنده مهرورز است».

۱۲. وابستگی ارزش و منزلت انسان در پیشگاه الهی به میزان ارتباط او با خدا و عبادت

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾ (فرقان/۷۷)؛ «ای پیامبر! بگو: اگر فراخوان شما (به سوی ایمان) نبود، پروردگارم برای شما ارزشی قائل نمی‌شد؛ چرا که یقیناً (قرآن و پیامبر را) دروغ انگاشتید. پس در آینده (عذاب بر شما) لازم خواهد شد».

ج) اهداف تربیت عبادی از منظر قرآن

۹۱

اگر انسان در مسیر عبادی و بندگی خدا به طور صحیح و نظام‌مندگام نهد و آن را تداوم بخشد، به اهداف والایی دست پیدا می‌یابد. برخی از این اهداف، اهداف ابتدایی، برخی میانی و برخی نهایی است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف رساندن آنها به مقام والای قرب و لقای الهی است. آیاتی به این هدف اشاره دارند:

﴿... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾
(کهف/۱۱۰): «و هر کس همواره به ملاقات پروردگارش امید دارد، باید کار شایسته‌ای انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ﴾
(اعراف/۲۰۶): «به راستی، کسانی که نزد پروردگار تواند، از پرستش او تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی می‌ستایند و فقط برای او سجده (و فروتنی) می‌کنند».

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «و از آیه ظاهر می‌شود که قرب به خدا تنها به وسیله یاد و ذکر او حاصل می‌شود و به وسیله ذکر است که حجاب‌های حائل میان او و بنده‌اش برطرف می‌گردد...» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۵۰۱/۸).

مرحوم امام علیه السلام نیز به این نکته اشاره نموده و هدف اصلی تربیت را لقاء الله معرفی کرده‌اند: «هدف اصلی تربیت، خودسازی و تهذیب نفس است و اصلی بودن آن بدان خاطر است که از این راه می‌توان به حضور راه یافت و به لقاء الله نائل آمد» (امام خمینی، سرّ الصلوة، بی‌تا: ۲۰). اهداف دیگر تربیت عبادی از دیدگاه قرآن بدین قرار است:

۱. دستیابی به طهارت معنوی و باطنی و اتمام نعمت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده/۶): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز برمی‌خیزید... خدا نمی‌خواهد بر شما هیچ تنگ بگیرد و لیکن می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید تا شاید شما سپاس‌گزاری کنید».

۲. یاد خدا و دوری از غفلت

﴿... فَأَعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴): «هیچ معبودی جز من نیست. پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من به پا دار».

۳. رسیدن به مقام نهایی عبودیت حقیقی از طریق عبادت خداوند (تسبیح و تقدیس الهی)

﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونِ﴾ (ذاریات/۵۶): «و جن و انسان را جز برای

پرستش [خود] نیافریدم» و ﴿... وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ تُقَدِّسُ لَكَ...﴾ (بقره/۳۰)؛ «... در حالی که ما به ستایش تو تنزیه می‌گوییم و تو را پاک می‌شماریم!...». ملائکه در این آیه به هدف آفرینش اشاره نموده‌اند؛ بدین بیان که به خداوند می‌گویند: تو می‌خواهی موجودی را خلق کنی تا به حمد و ستایش تو بپردازد.

۴. برخورداری از هدایت الهی

﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أُعْبَدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَ كُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (انعام/۵۶)؛ «بگو: به راستی من منع شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، پیروم!» بگو: «از هوس‌های شما پیروی نمی‌کنم که در این صورت حتماً گمراه شده‌ام و من از هدایت یافتگان نیستم!». مفهوم این آیه به این نکته اشاره دارد که عبادت خدا و تبعیت و اطاعت از فرامین او موجب هدایت و دوری از ضلالت و گمراهی می‌گردد.

۵. رستگار شدن انسان از طریق عبادت و بندگی خدا

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (حج/۷۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را پرستش کنید و کار نیک انجام دهید. باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید».

۶. اطمینان و آرامش قلبی و روحی

﴿... أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ «آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!».

در هدف دوم گفته شد که عبادت و نماز برای یاد خداست و با توجه به این آیه، یاد خدا موجب اطمینان و آرامش انسان می‌گردد.

۷. دوری انسان از فحشاء و منکرات

﴿... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت/۴۵)؛ «بخوان [و پیروی کن،] و نماز را برپا دار؛ [چرا] که نماز از [کارهای] زشت و ناپسند باز می‌دارد» و

﴿... كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ الصُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ (یوسف/۲۴): علامه طباطبایی در بیان این آیه می‌فرماید: ﴿... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا...﴾ در مقام تعلیل جمله «لنصرف» است و معنایش این می‌شود که ما با یوسف این چنین معامله کردیم (فحشاء و بدی را از او دور ساختیم)؛ به سبب اینکه او از بندگان مخلص ما بود (طباطبایی، المیزان، ۱۷۵/۱۱).

۸. بهره‌مندی از علم ناب الهی

﴿... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ...﴾ (بقره/۲۸۲)؛ «... و خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید و خدا به شما آموزش می‌دهد...». با توجه به اینکه عبادت به معنای تذلل و فرمانبرداری از دستورات خداوند است و فرمانبرداری و حالت تذلل و کرنش در برابر عظمت ذات اقدس الهی انسان را به درجه تقوی و پرهیزکاری نائل می‌سازد، می‌توان نتیجه گرفت که بهترین نوع عبادت، تقوی و پرهیزکاری است که اثر آن بهرمند شدن از علم ناب الهی می‌باشد.

۹. رسیدن به درجه تقوی و پرهیزکاری

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۲۱)؛ «ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید، کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا شاید شما خود نگه‌دار باشید».

انجام اعمال عبادی همراه با شرایطی که دارند، باعث می‌شود که نفس انسان رام گردد و در اختیار انسان و عقل او قرار گیرد؛ در نتیجه نسبت به هواها و خواهش‌های نفسانی بایستد و عشق به خدا و عبادت و بندگی او را با هیچ لذت دیگری عوض نکند و دل به دستورات الهی و عمل به آنها دهد. این حالت باعث ملکه شدن و رسوخ روح تقوی در انسان می‌گردد.

۹۴

۱۰. قرار گرفتن انسان در صراط مستقیم

﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (آل عمران/۵۱)؛ «در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید (که) این راهی راست است».

این آیه عبادت خالصانه الهی را ملازم با قرار گرفتن در راه مستقیم و بدون انحراف قرار می‌دهد. پس شرط قرار گرفتن در صراط مستقیم، عبادت خدا همراه با شرایط آن است.

۱۱. بهره‌مندی از بهشت جاویدان، یاری، نصرت الهی و دور شدن از آتش دوزخ

﴿... وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (مائده/۷۲)؛ مفهوم این آیه دلالت می‌کند بر اینکه عبادت پرورگار عالم، انسان را از آتش دوزخ دور و به بهشت برین نائل می‌سازد و او را از یاری و نصرت الهی بهره‌مند می‌گرداند.

۱۲. پذیرش توبه انسان از سوی خداوند و مشمول غفران الهی قرار گرفتن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (انفال/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید، برای شما جداکننده [حق از باطل] قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرد و خدا دارای بخشش بزرگ است». ﴿أَلَمْ يَ عَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...﴾ (توبه/۱۰۴)؛ «آیا ندانسته‌اند که خدا، او(ست که) توبه را از بندگان می‌پذیرد و بخشش‌های خالصانه (و مالیات زکات) را می‌گیرد».

علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌نویسد: خلاصه از آیه بر می‌آید که تصدق و دادن زکات (که از مصادیق اعمال عبادی هستند) خود نوعی توبه است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۵۱۳/۹)؛ در نتیجه، انسان با عبادت و پیروی از فرامین الهی به درجه توبه واقعی نائل می‌شود و مورد پذیرش خداوند متعال قرار می‌گیرد.

۱۳. خروج از ولایت و تسلط شیطان بر آدمی

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ (حجر/۴۲)؛ «در حقیقت، بندگانم، برای تو هیچ تسلطی بر آنان نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی می‌کنند».

۱۴. بهره‌مندی از رحمت خاص الهی و آرامش روحی و روانی

﴿وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا﴾ (کهف/۱۶)؛ «و (اصحاب کهف به یکدیگر گفتند:) هنگامی که از آن (مشرکان) و آنچه را جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه ببرید تا پروردگارتان از رحمتش برایتان بگستراند؛ و از کار شما، [وسیله] آسایشی برایتان فراهم می‌سازد».

۱۵. دستیابی به قوه تشخیص حق از باطل

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...﴾ (انفال/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید، برای شما جدا کننده [حق از باطل] قرار می‌دهد...».

با توجه به این آیه تقوی و اطاعت‌پذیری از خداوند که روح و معنای عبادت است، برای انسان روشن بینی و بصیرت خاصی ایجاد می‌کند که در پرتو آن، حق را از باطل می‌شناسد.

۱۶. وارث زمین گردیدن

﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۵)؛ «و به یقین، در زبور بعد از آگاه کننده (= تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث می‌برند».

۱۷. بهره‌مند شدن از برکات آسمان، زمین، باران و نعمت‌های آسمانی

﴿وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا...﴾ (هود/۵۲)؛ «و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ پس به سوی او بازگردید تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد و شما را نیرویی بر نیرویتان بیفزاید».

﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...﴾ (اعراف/۹۶)؛ «و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خود نگهداری می‌کردند،

حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم».

آری، به درستی که رمز بهره‌مند شدن از نعمات آسمان و زمین در دنیا نیز عبادت و اطاعت‌پذیری از خداوند متعال و استغفار و توبه و تقوی است.

۱۸. برخورداری از عزّت، سعادت و نفوذ ناپذیری در برابر دشمنان خدا

﴿ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴾ (مریم/۸۱)؛ «و (کافران) غیر از خدا معبودانی را برگزیدند تا [مایه] عزّتشان باشند».

عزّت فقط در پرتو پرستش خداوند یکتا به دست می‌آید نه شرک و بت‌پرستی، چه تذلل و خواری و اطاعت‌پذیری در برابر خداوند عالم باعث عزّت، اُبّهت و نفوذ ناپذیری انسان در برابر مستکبران و ظالمان عالم می‌شود.

۱۹. زایل شدن اندوه و غصّه‌های انسان و سبک شدن مصیبت‌ها

﴿ وَ لَقَدْ نَعَلْنَا أَنْكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴾ (حجر/۹۷-۹۸)؛ «و به یقین، می‌دانیم که تو به خاطر آنچه می‌گویند سینه‌ات تنگ می‌شود. پس با ستایش پروردگارت تسبیح (او) گوی و از سجده کنندگان باش».

علامه طباطبایی در تبیین این آیه می‌نویسد: اینکه این سفارش را متفرع بر تنگ حوصلگی از زخم زبان‌های کفار نموده، معلوم می‌شود که تسبیح و حمد خدا و سجده و عبادت، در زایل کردن اندوه و سبک کردن مصیبت اثر دارد» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۲۸۸/۱۲).

۲۰. شکرگذاری از نعمت‌های بی‌پایان الهی و رسیدن به مقام شاکران

﴿ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴾ (قریش/۳-۴)؛ «پس باید پروردگار این خانه (= کعبه) را بپرستند؛ (همان) کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت».

د) ابعاد تربیت عبادی در قرآن کریم

قرآن مجید به منظور تربیت عابدان صالح و پرهیزکار و به دور از هرگونه انحراف، روح عبودیت را در بندگان خود می‌دمد و عبادت را در سه بُعد مختلف مورد توجه قرار می‌دهد.

قرآن کریم انسان‌ها را هم در بُعد عقلانی، هم در بُعد جسمانی و هم در بُعد اجتماعی تحت تربیت عبادی خود قرار می‌دهد و هدایت آنان را بر عهده می‌گیرد.

۱. عبادت عقلانی

برخی از آیات به عبادت عقلانی و فکری از راه تفکر در مخلوقات خود و جهان هستی امر می‌کند و آن را یکی از نشانه‌های اولی‌الالباب و صاحبان خرد و عقل معرفی می‌نماید:

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ (آل عمران/۱۹۱)؛ «(همان) کسانی که [در حال] ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان [آرمیده]، خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند...».

این آیه اشاره دارد که یکی از مصادیق ذکر و یاد خدا که مصداق اتمّ عبادت خداوند عالم است، تفکر در اسرار آفرینش است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه می‌نویسد: نقشه دلربا و شگفت‌انگیزی که در گوشه و کنار این جهان در پهنه هستی به چشم می‌خورد، آن چنان قلوب صاحبان خرد را به خود جذب می‌کند که در جمیع حالات خود چه ایستاده و چه نشسته و یا در حالی که در بستر آرمیده و به پهلو خوابیده‌اند، بیاد پدید آورنده این نظام و اسرار شگرف آن می‌باشند... در این آیه نخست به ذکر و سپس به فکر اشاره شده است؛ یعنی تنها یادآوری خدا کافی نیست. وقتی این یادآوری ثمره‌های ارزنده‌ای خواهد داشت که آمیخته با تفکر باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی‌تا: ۳/۲۱۵).

۲. عبادت جسمانی

برخی از عبادات علاوه بر اثرگذاری روحی و طهارتی که برای قلب و جان هر انسانی دارد، برای جسم انسان نیز مفید است و به عبارتی، جسم انسان نیز باید در مسیر عبودیت و بندگی خدا به حال خضوع، خشوع و کرنش درآید تا این حالت بندگی و ذلتی که انسان در وجود خود در برابر خداوند احساس می‌کند، در ظاهر و اعضاء و جوارح انسان نیز ظهور و بروز یابد؛ لذا در آیات فراوانی امر به رکوع و سجود (زمر/۹؛ حج/۷۷؛ حجر/۹۸؛ اعراف/۲۰۶ و...) قیام و قعود (آل عمران/۱۹۱)، قنوت، طواف و سعی و... شده است که همه به بُعد جسمانی

عبادت اشاره دارد. در نتیجه این آیات نشان دهنده این است که عبادت روحی و قلبی فقط کافی نیست، بلکه این عبودیت درونی باید در همه اعضا و جوارح انسان تجلی و بروز یابد.

۳. عبادت اجتماعی - سیاسی

برخی از عبادات جنبه فردی ندارد یا اگر دارد جنبه اجتماعی آنها غلبه دارد. این گونه عبادات برای پرورش و تربیت جامعه اسلامی است تا جامعه را یک جامعه مطیع و فرمانبردار خدای متعال تربیت کند؛ جامعه‌ای که عبادت خدا در آن جلوه‌گر و علنی باشد و بندگی خدا محور اصلی در آن باشد و فقط مختص اجرای در معابد و مساجد نباشد. امر به معروف و نهی از منکر، نماز و زکات (حج/۴۱) و حج (حج/۲۷؛ آل عمران/۹۷) برخی از عباداتی که جنبه اجتماعی - سیاسی دارد یا بعد اجتماعی - سیاسی آن غلبه دارد.

هـ) ویژگی‌های تربیت عبادی در قرآن

برای اینکه هر عمل انسان نتیجه بخش باشد، باید روشمند و طبق ضوابط و شرایط خود انجام پذیرد و الاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. خداوند برای تربیت عبادی بندگان خود به ضوابط و راهکارهای مهم و متعدد اشاره کرده است که انسان با بهره‌جستن و پیروی از آنها می‌تواند به قله‌های بلند کمال و عبودیت دست یابد و از منحرف شدن و سقوط در پرتگاه‌ها به واسطه عرفان‌ها و روش‌های غلط، خرافی و کاذب در امان بماند.

برخی از روش‌ها و ضوابط مورد اشاره در قرآن مجید که از مهم‌ترین راهکارهای تربیت عبادی قرآن نیز به شمار می‌رود، بدین قرار است:

۱. عبادت خاضعانه و خاشعانه

عبادت و بندگی خداوند متعال باید همراه تضرع، ناله و زاری باشد، یعنی با کمال تواضع، خضوع، خشوع و ادب انجام پذیرد: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ ۹۹ (اعراف/۵۵)؛ «پروردگارتان را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی بخوانید که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

علامه طباطبایی می‌نویسد: خداوند در این آیه دستور داد تا این عبادت را با تضرع و زاری انجام دهند و این تضرع و زاری هم علنی و با صدای بلند که منافای با ادب عبودیت است،

نبوده باشد...» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۱۹۸/۸)؛ بنابراین، در عبادت خدا نباید تنها زبان انسان چیزی را بخواند، بلکه باید روح دعا و عبادت در درون جان و تمام وجود انسان ساری و جاری باشد.

۲. عبادت خالصانه

قرآن در تربیت عبادی بندگان به این نکته اشاره می‌کند که عبادت واقعی و مورد رضایت خداوند عبادتی است که به دور از هر گونه ریا باشد و خالصانه انجام پذیرد: ﴿وَمَا أَمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾ (بینه/۵)؛ «و به آنان فرمان داده نشده بود جز برای اینکه خدا را بپرستند، در حالی که حق گرایانه دین (خود) را برای او خالص گردانند...». طبرسی در تبیین معنای «مخلصین له الدین» می‌نویسد: یعنی عبادت خدا را با عبادت غیر خدا مخلوط نسازند (طبرسی، مجمع البیان، بی‌تا: ۷۹۵/۱۰)؛ بنابراین، قرآن به عبادت پنهانی توجه بیشتری دارد آنجا که می‌فرماید: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ قَضَعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (اعراف/۵۵)؛ «پروردگارتان را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی بخوانید؛ که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

اینکه فرموده خدا را در پنهانی بخوانید، برای این است که از ریا دورتر و به اخلاص نزدیک‌تر و توأم با تمرکز فکر و حضور قلب باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی‌تا: ۲۱۰/۶).

۳. عبادت آگاهانه و عالمانه

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾ (نساء/۴۳). علامه طباطبایی در تبیین این آیه می‌نویسد: ﴿حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾. اشاره به این نکته دارد که عبادات ناآگاهانه بی‌ارزش است و انسان را به مقام عبودیت نمی‌رساند؛ گرچه تکلیف را ساقط می‌کند و در مقام این است که بفرماید اگر ما شما را از شراب نهی کردیم، هدفمان این بود که در نماز بفهمید چه می‌گویید (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۵۷۲/۴).

۴. عبادت عاشقانه

عبادت تربیت یافتگان مکتب اسلام و قرآن، همیشه عاشقانه و از روی محبت به حضرت دوست انجام می‌پذیرد نه به طمع بهشت یا ترس از جهنم. اینان خدا را چون لایق پرستش می‌یابند، عبادت می‌کنند و عشق به وصال معبود، رنگ خدایی و الهی به عبادت آنها می‌دهد و به تعبیر امام صادق (علیه السلام) عبادت آنها عبادت احرار است نه عبادت بردگان یا عبادت تجار؛ «... قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتَلْكَ عِبَادَةُ الْاِحْرَارِ وَهِيَ اَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۵: ۸۴/۲).

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَيَخْرُونَ لِلَّذِينَ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ (اسراء/۱۰۹)؛ «و به چانه (و صورت بر زمین) می‌افتند، در حالی که می‌گریند و (تلاوت قرآن) بر فروتنی آنان می‌افزاید!». از این آیه برداشت می‌شود که اشک ریختن مداوم آنها در حال سجده نشان از عاشقانه بودن عبادت آنها دارد. یکی از مفسران معاصر می‌نویسد: «یخرون» یعنی بی‌اختیار به زمین می‌افتند. به کار بردن این تعبیر به جای «یسجدون» اشاره به نکته لطیفی دارد و آن اینکه آگاهان بیدار دل چنان مجذوب و شیفته سخنان الهی می‌شوند که بی‌اختیار به سجده می‌افتند و دل و جان را در راه آن از دست می‌دهند، ... استفاده از فعل مضارع «ییکون» دلیل بر ادامه گریه‌های عاشقانه آنهاست» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی‌تا: ۳۲۰-۳۲۱).

۵. عبادت با کیفیت

در دین مبین اسلام کیفیت عبادت و قبولی آن در نزد پروردگار بیش از مقدار و کمیت آن مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) و اسماعیل (علیه السلام) هنگامی که پایه‌های کعبه را بالا بردند، این‌گونه دعا کردند: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/۱۲۷)؛ «[ای] پروردگار ما! از ما بپذیر که در حقیقت تنها تو شنوا [و] دانایی». این قسمت از آیه به این نکته اشاره دارد که کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مقبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد (قرائتی، تفسیر نور، بی‌تا: ۲۰۳/۱).

۶. عبادت جمعی و گروهی

اساس عبادت به ویژه نماز، بر جمع و جماعت استوار است و هر گونه فردگرایی و

تکروی و انزوای طلبی مردود است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی تا: ۴۴/۱)؛ به عبارتی دیگر، در دعا و عبادت باید جمع گرا بود نه فردگرا که «فَلَنْ يَدُلَّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۳۷۳/۳۳). در روایت دیگری آمده است «إِنَّمَا الطَّاعَةُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (همان، ۴۳۶/۲۲).

قرآن نیز بر عبادت جمعی تأکید می‌ورزد: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد/۵). اینکه ضمیر را در این آیه به صورت جمع آورده نه مفرد، نشان می‌دهد که عبادت جمعی و گروهی مورد سفارش و تأکید خداوند عالم است. آیت الله مکارم شیرازی می‌نویسد: امر به نماز جمعه، امر به یک عبادت بزرگ دسته جمعی است و اثر عمومی عبادات را در بردارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی تا: ۱۳۴/۲۴).

۷. عبادت با حضور قلب

در آیه پنجم از سوره مبارکه حمد، لحن سخن تغییر می‌کند و از زبان بنده و خطاب به پروردگار سخن گفته می‌شود؛ به عبارتی، از لحن غیابی به لحن خطابی تغییر می‌کند که گویا انسان با اعتراف به توحید و صفات خدا در آیات قبل... خود را در حضور ذات پاکش می‌یابد و او را مخاطب ساخته، نخست زبان به پرستش می‌گشاید، آن گاه از او امداد می‌جوید (رضایی اصفهانی، تفسیر مهر، ۱۳۸۷: ۱۳۷/۱) و به عبارتی، توحید عملی را به ما می‌آموزد. مرحوم امام رحمه الله می‌نویسد: عبادت بدون حضور قلب عبادت نیست، بلکه لهو و بازی است. این چنین عملی در نفس آدمی اثری ایجاد نمی‌کند و حالت نهی از فحشاء و منکر محقق نمی‌شود (امام خمینی رحمه الله، آداب الصلوة، بی تا: ۳۳).

۸. اعتدال در عبادت

تأکید قرآن در مسئله عبادت این است که همیشه مسیر اعتدال را باید در پیش گرفت و از هر گونه افراط و تفریط پرهیز نمود؛ همان گونه که در تمامی کارها، امر به اعتدال و میانه‌روی شده است: ﴿... وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافُ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/۱۱۰)؛ «و نمازت را با صدای بلند نخوان، و (نیز) آن را بسیار آهسته نخوان، و بین آن

(دو) راهی بجوی».

در تفسیر نمونه آمده است که حکم اسلامی یعنی اعتدال در جهر و اخفات، که در اینجا به آن اشاره شده است با الغای خصوصیت در آن و با توجه به حکم کلی در ذیل آیه، این نتیجه را می‌دهد که عبادات خود را نباید آن چنان انجام دهیم که بهانه به دست دشمنان دهد... و چه بهتر که توأم با متانت و آرامش و ادب باشد... (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی تا: ۳۲۹/۱۲).

آری، با توجه به این نکته (اعتدال در عبادات) است که خداوند در قرآن می‌فرماید که در هنگام عبادت انسان باید هم خوف از عقاب الهی داشته باشد و هم طمع به رحمت خدا؛ یعنی در حالت خوف و رجاء به سر برد و عبادت کند: ﴿... وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (اعراف/۵۶)؛ «و او را با ترس و امید بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: این رویه (عبادت از روی طمع یا از روی خوف) به طوری که تجربه شده، آدمی را به ترک عبادت وادار می‌سازد. لذا فرمود: «و ادعوه خَوْفًا وَ طَمَعًا»، تا هر یک از خوف و طمع، مفاسد دیگری را جبران نموده و عبادت نیز مانند سایر کائنات در مجرای ناموس عالم یعنی ناموس جذب و دفع قرار گیرد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۱۹۹/۸).

۹. تداوم در عبادت

آیات متعددی از قرآن به استقامت و پابندی در عبادت و بندگی خدا اشاره دارد و اینکه انسان در این مسیر به واسطه اعتدال و عدم افراط و تفریط، نشاط عبادت را در خود حفظ کند و از ادامه مسیر باز نماند ﴿وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/۹۹)؛ «و پروردگارت را پرستش کن تا تو را یقین (مرگ) فرا رسد». منظور از «یقین» در این آیه، همان مرگ است؛ بنابر این، مهم‌تر از عبادت، استمرار آن است.

آیات دیگری نیز بر این مطلب اشاره دارد: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ (معارج/۲۳؛ فصلت/۳۸).

۱۰. لزوم تقدّم عبادت خدا بر هر کاری

قرآن کریم عبادت مؤثر و مفید را عبادتی می‌داند که هم از نظر زمان انجام آن (در عباداتی که دارای زمان خاص است) در اول وقت و مقدّم بر هر کاری دیگر انجام شود و هم از نظر ارزش و اعتبار ذاتی، آن را ارزشمندتر و مهم‌تر از هر کاری دیگر تلقی شود و هیچ‌گاه نسبت به آن بی‌توجهی و بی‌اعتنایی صورت نگیرد: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾ (نور/ ۳۷)؛ بنابراین، از نظر قرآن حتی کارهای حلال و مباح نیز نباید انسان را از یاد خدا (و عبادت او) غافل کند تا چه رسد به کارهای مکروه و حرام (قرائتی، تفسیر نور، بی‌تا: ۱۸۸/۸).

یا در سوره جمعه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (جمعه/ ۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا داده شود، به سوی یاد خدا بکوشید و معامله را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید!».

۱۱. نیکویی عبادت همراه با طلب‌روزی حلال و کسب و کار

در دین اسلام ریاضت نامشروع و رهبانیت و دنیا‌گریزی مورد مذمت قرار گرفته است. اسلام کسب روزی حلال را هم جزء عبادات به شمار می‌آورد. و حتی طبق فرمایش پیامبر اکرم ﷺ اگر عبادت هفتاد جزء داشته باشد، برترین آنها طلب روزی حلال است (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۵: ۷۸/۵). ریشه و اساس این حرف را باید در قرآن جست‌وجو کرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَزَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (اعراف/ ۳۲). از ظاهر این آیه بر می‌آید که زینت‌های خدا و روزی‌های حلال و پاکیزه برای بندگان خداست که باید از آن بهره‌مند شوند.

یا در سوره جمعه می‌فرماید: ﴿فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (جمعه/ ۱۰)؛ «پس در زمین پراکنده شوید و از بخشش خدا بجوید و

خدا را فراوان یاد کنید، باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید».

علامه طباطبایی در تبیین این فراز می‌نویسد: «مراد از انتشار در ارض، متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن به کارهای روزمره برای به دست آوردن فضل خدا، یعنی رزق و روزی است که البته منظور از طلب رزق هم همه کارهایی است که عطیه خدای تعالی را در پی دارد چه طلب رزق باشد و چه عیادت مریض یا سعی در برآوردن حاجت مسلمان یا زیارت برادر دینی یا حضور در مجلس علم و یا کارهای دیگر از این قبیل (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۴۶۲/۱۹)؛ بنابراین، از دیدگاه قرآن هم ارتباط با خدا مورد تأکید و سفارش است و هم ارتباط با خلق خدا.

۱۲. لزوم تقدّم توبه و استغفار و پرهیز از گناهان بر عبادت خدا (اول تذکيه بعد تحليه)

قرآن کریم در بیان اوصاف مؤمنان، توبه کار بودن آنان را مقدّم بر عبادت گری آنها بیان می‌نماید: ﴿الْعَابِدُونَ...﴾ (توبه/۱۱۲) یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ...﴾ (روم/۳۱)؛ «در حالی که به سوی او بازگشت می‌کنید؛ و خود را از [عذاب] او نکه دارید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید».

این دستور بدین معناست که پیکر و بدن آلوده به ویروس و میکروب‌ها، قدرت جذب ویتامین‌ها و پروتئین‌ها و مواد غذایی را ندارد. پس ابتدا باید جان را از آلودگی‌ها و خبائث پاک نمود، سپس به دنبال عبادت و ذخیره توشه آخرت برای خود بود وگرنه زحمات انسان دچار آفت می‌شود.

۱۳. توجه و عنایت ویژه به نمازهای فریضه به ویژه نماز شب و تهجد

در قرآن کریم نزدیک به ۶۴ بار از نماز و اهمیت آن یاد شده است. این امر حکایت از آن دارد که انسان در مسیر تربیت عبادی باید به این رکن اساسی توجه و اهتمام ویژه داشته باشد. برخی از این آیات عبارت است از:

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (بقره/۲۳۸) و ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (مؤمنون/۹). امام خمینی رحمته الله در بیان اهمیت نماز می‌فرماید: «بالاترین فریضه و کارخانه انسان‌سازی (تربیت انسان) نماز است. نماز برای اصلاح و تربیت

نفس تأثیر به سزایی دارد» (صحیفه نور، بی تا: ۱۴۸/۱۲).

همچنین در بین نمازهای مستحبی، نماز شب و تهجد یکی از مهم ترین ابزار و وسائل قرب الهی و مقام عبودیت به شمار می رود و بارها به این نکته اشاره شده است. قرآن یکی از ویژگی های «عباد الرحمن» (بندگان خالص خدا) را تهجد و شب زنده داری بیان می کند: ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ (فرقان/۶۴) یا در جای دیگر می فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ (انسان/۲۶). در سوره مزمل نیز چنین آمده است: ﴿إِنِّ نَاشِئَةٌ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ (مزمل/۶).

علامه طباطبایی در تبیین و تفسیر این آیه می نویسد: «معنی وطء زمین» قدم نهادن بر آن است و اینکه فرمود «حادثه شب شدیدترین قدم نهادن است» کنایه است از اینکه این عمل از هر عمل دیگر در صفای نفس، انسان را ثابت قدم تری می سازد و بهتر از هر چیز، نفس آدمی را از اینکه به وسیله شواغل روز دچار کدورت شود، حفظ می کند» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۹۹/۲۰). پس این آیات نشان می دهد که روح آدمی در آن ساعات آمادگی خاصی برای نیایش و مناجات و ذکر و فکر دارد.

۱۴. توجه به مکان ها و زمان های ویژه برای عبادت

برخی از مکان ها و زمان ها در سرعت بخشیدن به حرکت و سلوک انسان در مسیر بندگی خدا بسیار مؤثرند؛ به همین دلیل، قرآن کریم در عبادت برخی مکان ها را مورد تأکید و سفارش قرار داده است: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...﴾ (بقره/۱۲۵)؛ «و (گفتیم) از مقام ابراهیم، نمازخانه ای (برای خود) برگزینید»؛ ﴿لَمَسْجِدَ أُسُسَ عَلَى الْقُفُوفِ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...﴾ (توبه/۱۰۸)؛ «حتماً مسجدی که از روز نخست بر خود نگه داری بنیان گذاشته شده، سزاوارتر است که در آن (به عبادت) بایستی».

در مورد زمان ها، عبادت در وقت طلوع فجر تا طلوع آفتاب و همچنین عبادت در نزدیک غروب را مورد تأکید قرار داده است: ﴿وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ

الْقَوْلُ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ...» (اعراف/۲۰۵)؛ «و پروردگارت را در (درون) خودت، فروتنانه و ترسان و بدون صدای بلند، در بامدادان و عصرگاهان [و شب هنگام]، یاد کن و از غافلان مباش!».

۱۵. متذکر شدن اسماء و صفات الهی در هنگام عبادت و دعا

قرآن می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...﴾ (اعراف/۱۸۰)؛ «و نام‌های نیکو فقط از آنِ خداست؛ پس او را با آنها بخوانید...». علامه طباطبایی در معنای ﴿فَادْعُوهُ بِهَا﴾ دو احتمال را ذکر نموده و احتمال دوم را تقویت و قبول می‌کند و می‌نویسد: «مراد از دعوت، عبادت است و معنایش این است که خدا را عبادت کنید با اعتقاد به اینکه او متّصف به اوصاف حسنه و معانی جمیله‌ای است که این اسماء دلالت بر آن دارد» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲/۸/۴۵۰).

۱۶. لزوم تسبیح، حمد و ستایش خدا قبل از انجام اعمال عبادی

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ (حجر/۹۸)؛ «پس با ستایش پروردگارت تسبیح (او) گوی و از سجده کنندگان باش» یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ (اعلی/۱۵)؛ «و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد».

۱۷. لزوم هجرت و تحمّل سختی‌ها برای اقامه فرائض و عبادات الهی

گاهی اوقات برای دستیابی به مقام عبودیت، هجرت و نقل مکان به محل‌های مناسب به منظور انجام عبادت خدا بدون دغدغه و مانع لازم است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾ (ابراهیم/۳۷)؛ «[ای] پروردگار ما! در واقع، من برخی از فرزندانم را در درّه‌ای (و سرزمینی) بدون زراعت، نزد خانه‌ی محترم تو، سکونت دادم. [ای] پروردگار ما! (آنان را سکونت دادم) تا نماز را برپا دارند».

آری، حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای بر پا داشتن نماز و عبادت خدا هجرت کرد حتی به قیمت به سختی انداختن خود و خانواده‌اش. این آیه نشان می‌دهد که مسکن و محل زندگی انسان

باید بر اساس نماز و عبادت باشد؛ یعنی هر جا که انسان در مسیر عبودیت و بندگی خدا می‌تواند موفق‌تر عمل کند و توفیق بیشتری داشته باشد، همان‌جا را باید به عنوان مسکن و مأوی خود انتخاب کند. بنابر همین نکته قرآن می‌فرماید: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُون﴾ (عنکبوت/۵۶)؛ «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! در واقع، زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید».

۱۸. پیروی و توجه کردن به الگوها و اسوه‌های عملی عبادت

بندگان خدا برای نیل تربیت عبادی باید توجه ویژه به الگوهای مطرح شده در قرآن داشته باشند و از عمل و نحوه بندگی آنان الگوبرداری کنند؛ همان‌گونه که علمای اخلاق با استناد به آیات و روایات گفته‌اند برای تربیت انسانی در همه ابعاد نیاز به استاد و پیر طریقت است، حتی پیامبران الهی نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند مانند موسی (علیه السلام) تحت تربیت خضر نبی (علیه السلام) قرار گرفت. قرآن کریم الگوهای فراوانی را با تعبیر «نعم العبد» از قبیل حضرت داوود (ص/۱۷)، حضرت سلیمان (ص/۳۰)، حضرت ایوب (ص/۴۱) حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب (ص/۴۵)، حضرت ابراهیم، البسع و ذالکفل (ص/۴۸) معرفی می‌کند.

۱۹. مهیا کردن یک نظام عادلانه به منظور تربیت انسان‌ها در ابعاد مختلف

قرآن کریم تربیت صحیح انسانی در ابعاد مختلف را تنها در بستر یک نظام عادلانه امکان‌پذیر می‌داند و می‌فرماید: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (اعراف/۲۹)؛ «بگو: پروردگارم به دادگری فرمان داده است؛ و رویتان را در هر مسجدی (به هنگام عبادت به سوی قبله) نمایید و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اید».

۱۰۸

با توجه به این آیه کریمه برای گسترش عبادت در جامعه و تزریق روح اطاعت‌پذیری از فرامین الهی در انسان‌ها، ابتدا باید به دنبال گسترش و مستقر کردن عدالت در جامعه اسلامی بود؛ زیرا جلوگیری از تبعیض، مقدم و در کنار عبادت مطرح است؛ پس تربیت صحیح در محیط و نظام عادلانه محقق می‌شود (قرائتی، تفسیر نور، بی‌تا: ۵۰/۴).

۲۰. دعا کردن در حق فرزندان و دستور به آنان برای نماز و عبادت

قرآن کریم به دعای والدین در حق فرزندان تا اینکه خداوند آنان را در طریق بندگی و عبادت خود قرار دهد، اشاره دارد و سپس دستور والدین به فرزندان به منظور اطاعت از فرامین الهی را در رشد و تربیت عبادی و اخلاقی آنان مؤثر می‌داند: ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ...﴾ (مریم / ۵۵)؛ «و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد»؛ ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (لقمان / ۱۷)؛ «ای پسرکم! نماز را برپا دار و به [کار] پسندیده فرمان بده و از [کار] ناپسند منع کن» و ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم / ۴۰)؛ «پروردگارا، من و (هر یک) از فرزندانم را برپا کننده‌ی نماز قرار ده، و [ای] پروردگار ما! دعایم را بپذیر».

بنابراین، برای توفیق انجام عبادات، مخصوصاً اقامه نماز توسط خود و فرزندان، استمداد از خداوند و طلب توفیق از او نقشی مهم دارد.

۲۱. ایجاد امنیت اجتماعی و رفاه اقتصادی زمینه‌ساز جامعه‌ای آرمانی و عبادی و اطاعت‌پذیر

قرآن کریم برای گسترش روح عبادت و بندگی در افراد یک جامعه، تأمین امنیت و رفاه اقتصادی افراد جامعه را عاملی مهم و زمینه‌ای مؤثر معرفی می‌داند: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قیش / ۳-۴)؛ «پس باید پروردگار این خانه (= کعبه) را بپرستند، (همان) کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت».

بنابراین، تا امنیت و رفاه اقتصادی مردم تأمین نباشد، افراد یک جامعه را نمی‌توان به عبادت و اطاعت از فرامین الهی امر کرد؛ چرا که روش جلب منفعت و دفع ضرر برای مردم در این راه مؤثر است.

۲۲. پرهیز از هر گونه اکراه و اجبار برای جذب و گرایش دادن مردم به سوی عبادت انسان‌ها را باید با اختیار و به اندازه ظرفیت‌هایشان به سوی اطاعت و عبادت خدا دعوت

کرد نه از روی اکراه و اجبار.

حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود گفت: ﴿أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا... قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾ (نوح/۳-۵)؛ «که خدا را بپرستید و خودتان را از [عذاب] او حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید... (نوح) گفت: «پروردگارا! در واقع، من قوم خود را شب و روز فراخواندم». به کارگیری لفظ «دعوت» در این آیه به معنای احترام گذاشتن به اختیار و اراده دیگران و به اکراه و اجبار و نداشتن آنان به عبادت و بندگی خدا است. همان طور که اصل پذیرش دین نیز چنین است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ (بقره/۲۵۶)؛ «هیچ اکراهی در (پذیرش) دین نیست».

و) موانع و آسیب‌های تربیت عبادی در قرآن

انسان در مسیر بندگی و عبودیت پروردگار عالم با موانع و آسیب‌های جدی رو به روست که اگر در برخورد و مقابله با آنها مدیریت صحیحی را در پیش نگیرد، در حرکت و سلوک خود برای دستیابی به قرب الهی دچار مشکلات فراوانی می‌شود و چه بسا در مسیر حرکتی خود پس روی داشته باشد. مهم‌ترین موانع و آسیب‌هایی که انسان با آن مواجه است و عبادت او را آفت‌زده می‌کند، به قرار ذیل است:

۱. تکبر، فخر فروشی و ابا کردن از عبادت

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ (نساء/۳۶)؛ «و خدا را بپرستید و هیچ چیز را با او شریک نگیرید؛ ... که خدا کسی را که متکبر خیال‌پرداز [و] فخر فروش است، دوست نمی‌دارد».

باز در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿لَنْ يَسْتَنْ كَيْفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾ (نساء/۱۷۲)؛ «مسیح و فرشتگان مقرب، ایا ندارند از اینکه بنده خدا باشند؛ و کسانی که از پرستش او امتناع کردند و تکبر ورزیدند، که به زودی (خدا در قیامت) همه آنان را به سوی خود گرد خواهد آورد». نکته مورد توجه در این آیه این است که سرچشمه ترک عبادت، تکبر است و اگر روح،

استکباری شد، همه نوع خطر در پی می آید (قرائتی، تفسیر نور، بی تا: ۴۴۴/۲).

۲. فقر و تهیدستی و ناامنی اجتماعی

اندیشه تأمین معاش و امنیت یکی از موانع مهم در مسیر تربیت عبادی بندگان و مانع از انجام عبادت است. قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش/۳-۴). این آیه به این نکته اشاره دارد که تا مسائل اقتصادی و امنیتی جامعه حل نشود، نمی توان آنان را به عبادت دعوت کرد.

۳. شیطان

ابلیس و شیاطین جن و انس از طرق مختلف و راه های گوناگون انسان را از یاد و عبادت خدا باز می دارند و وسوسه های آنها مانع مهمی برای دوری انسان از مسیر عبودیت به شمار می آید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصْهِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ (مائده/۹۱)؛ «شیطان به سبب شراب و قمار می خواهد در بین شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد؛ پس آیا شما (به شراب خواری و قمار بازی) پایان می دهید؟!». توبه از منظر قرآن

۴. ناسپاسی و کفران نعمت های الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (بقره/۱۷۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از (خوراکی های) پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، بخورید و خدا را سپاس گویند؛ اگر همواره تنها او را می پرستیدید». طبق این آیه، شکر نشانه خداپرستی و توحید ناب است و شکر به عنوان نمونه روشن عبادت معرفی شده (قرائتی، تفسیر نور، بی تا: ۲۶۳/۱)؛ بنابراین، ناسپاسی و قدرشناسی، آفتی بزرگ برای انسان و سبب دوری او از اوج بندگی است.

۵. حرام خوری و بی توجهی به حق الناس

﴿وَ إِلَى مَدِينِ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ

مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا الْفَاسَ أَشْيَاءَهُمْ...» (اعراف / ۸۵)؛ «و به سوی مَدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم). (او) گفت: «ای قوم [من]! خدا را بپرستید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. به یقین دلیلی (معجزه آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ پس پیمانه و ترازو را کاملاً ادا کنید و به مردم [از روی ستم] چیزهایشان را کم ندهید...».

این آیه دلالت التزامی به این نکته اشاره دارد که جامعه‌ای را می‌توان به عبادت و بندگی خدا دعوت کرد که از نظر دنیوی و اقتصادی دچار فساد و حرام خواری نشده باشند؛ چه جامعه‌ای که دارای اقتصاد سالم و عادلانه نباشد، از صراط و طریق عبودیت فاصله گرفته و به عبادت روی نخواهد آورد.

۶. شرک در عبادت

شرک در عبادت به این معناست که انسان غیر خدا را نیز در کنار خداوند متعال بندگی و عبادت کند و او را نیز لایق پرستش بداند؛ چنانچه قرآن نیز به این معنی اشاره دارد: ﴿وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ الْغَارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (مائده / ۷۲). این آیه صراحتاً می‌فرماید که شرک به خدا ظلم است و آنان که شرک می‌ورزند و حضرت عیسی (علیه السلام) را خدا می‌دانند، کافر، مشرک، ظالم و از بهشت محرومند. این سخن بدین معناست که شرک در عبادت خدا و شریک قائل شدن برای او آفت بسیار خطرناکی برای انسان در مسیر عبودیت خداست.

۷. هوای نفس و شهوات

﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (انعام / ۵۶)؛ «بگو: به راستی من منع شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، بپرستم!» بگو: «از هوس‌های شما پیروی نمی‌کنم که در این صورت حتماً گمراه شده‌ام و من از هدایت یافتگان نیستم!».

طبق این آیه، ریشه شرک و فاصله گرفتن از عبادت خدا هواپرستی است (قرائتی، تفسیر

نور، بی تا: ۳/ ۲۷۰).

۸. تقلید کورکورانه همراه لجاجت و اصرار بر انجام عمل نادرست

﴿قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَدْرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا...﴾ (اعراف / ۷۰)؛ «(اشراف قوم هود) گفتند: «آیا به سراغ ما آمده‌ای تا خدای یگانه را بپرستیم و آنچه را پدران ما همواره می پرستیدند، رها کنیم؟!».

آری، تعصّب به جای منطق محکوم است و تقلید جاهل از جاهل و تبعیت به دلیل رابطه خویشاوندی مردود است (همان، ۹۸/۴) و مانع حرکت عبادی انسان می گردد.

۹. شک و تردید در معبود واقعی و عدم تحقیق در شناخت و معرفت او

قرآن در این باره می فرماید: ﴿قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ﴾ (هود / ۶۲)؛ «گفتند: ای صالح! به راستی پیش از این در میان ما مایه امید بودی؛ آیا ما را منع می کنی که آنچه را پدرانمان می پرستند، بپرستیم؟! در حالی که ما قطعاً در مورد آنچه ما را به سوی آن فرا می خوانی، در شکی تردیدآمیز هستیم».

اشاره آیه به این نکته است که اگر شک، مقدمه و زمینه تحقیق و ارشاد نباشد، بزرگترین عامل رکود و سقوط خواهد بود» (همان، ۳۴۵/۴) مخصوصاً در مسیر بندگی خدا و آیین یکتاپرستی.

۱۰. بی صبری و استقامت نکردن در مسیر بندگی

﴿رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطِرِّ لِعِبَادَتِهِ...﴾ (مریم / ۶۵)؛ «(همان) پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دوست؛ پس او را پرست و در پرستش او شکیبایی ورز...».

طبق این آیه، عبادت، صبر لازم دارد و بی صبری در این راه مانع دستیابی به قرب الهی می شود.

۱۱. استخدام دین و عبادت خدا برای دستیابی به دنیا و مظاهر آن

قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمِنَ الْغَاسِقِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ

بِهَ وَ إِنِ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ائْتَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ...» (حج/۱۱)؛ «و از (میان) مردم کسی است که خدا را بر حاشیه (منافع خویش) می‌پرستد و اگر به او نیکی رسید، بدان آرامش می‌یابد و اگر آزمایشی به او رسید، (به سوی کفر) رویش را برمی‌گرداند...».

خداوند در این آیه به این اشاره دارد که ایمان برخی موسمی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد (قرآنی، تفسیر نور، بی‌تا: ۲۳/۸)؛ به عبارت دیگر، اگر پرستش خدا سودی مادی داشت، آن را استمرار می‌دهند و اگر دچار فتنه و امتحان شوند روی گردانیده، به عقب بر می‌گردند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۴۹۴/۱۴). این حالت بدین علت است که ایمان به خدا و توجه و ارتباط با حضرت حق در اعماق قلب و جان آنها رسوخ نکرده و فقط زبانی است.

۱۲. تفرقه و اختلاف

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُم فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ﴾ (نمل/۴۵)؛ «و یقیناً، به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که «خدا را پرستید.» و به‌ناگاه آنان دو دسته (= مؤمن و کافر) شدند که با یکدیگر کشمکش می‌کردند.»

آری، نزاع میان حق و باطل دائمی است و همین نزاع و اختلاف بسیاری را در تشخیص راه حق دچار سردرگمی می‌کند و از مسیر عبودیت منحرف می‌سازد.

۱۳. ریای در عبادت (شرک خفی)

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرْأُونَ﴾ (ماعون/۴-۶)؛ «و وای بر نمازگزاران؛ (همان) کسانی که آنان از نمازشان غافل‌اند؛ (همان) کسانی که ایشان ریاکاری می‌کنند.»

۱۱۴

۱۴. ناامیدی از رحمت خدا

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...﴾ (زمر/۵۳)؛ «بگو: ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید! از رحمت خدا ناامید نشوید...».

از شروط بندگی این است که انسان هرگز از رحمت خدا مأیوس نشود و به واسطه امید

که به رحمت او دارد، شکست‌ها و عقب‌افتادگی‌ها را جبران کند و گرنه ناامیدی، عامل خطرناکی برای فاصله گرفتن انسان از جرگه عابدان است.

۱۵. همسر و فرزند نااهل

﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...﴾ (هود/۴۶)؛ «(خدا) فرمود: «ای نوح! در حقیقت او از خانواده تو نیست؛ [چرا] که او (دارای) کرداری غیر شایسته است!». این آیه نشان می‌دهد که پیوند مکتبی بر پیوند خانوادگی و خویشاوندی حاکم است (قرائتی، تفسیر نور، بی‌تا: ۳۲۸/۵) و در صورت دلبستگی به این گونه روابط خانوادگی، انسان از راه اصلی عبودیت باز مانده، به مقصود نهایی نمی‌رسد.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا...﴾ (تحریم/۱۰)؛ «خدا برای کسانی که کفر ورزیدند، مثلی زده است زن نوح و زن لوط که تحت (سرپرستی) دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، و [لی] به آن دو خیانت کردند و...». همسر نااهل و خائن مانعی برای بندگان صالح خدا در راه بندگی او هستند که اگر انسان در مقابل آنها استقامت و پایداری نکند و راهکار مناسبی را در برخورد با آنها در پیش نگیرد، آفت و مانعی برای سلوک انسان در طریق بندگی خواهد بود.

۱۶. عدم حضور قلب در عبادات

خداوند مستی در حال نماز را به عنوان یکی از عوامل مهم بی‌توجهی و عدم حضور قلب در نماز مطرح می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...﴾ (نساء/۴۳).

پیام آیه این است که در عبادات، به ویژه نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، بلکه توجه، شعور و حضور قلب لازم است (حتی تعلموا) و عبادات ناآگاهانه بی‌ارزش است. با توجه به این اصل کلی که وجود علت، باعث تعمیم حکم می‌شود، نتیجه می‌گیریم که هر عاملی که باعث عدم تمرکز انسان و عدم حضور قلب او در عبادات شود، باید به عنوان مانعی برای

رسیدن انسان به حلاوت و شیرینی و آثار عبادات، با آن مبارزه کرد.

۱۷. کسالت و کراهت در انجام عبادات

قرآن کریم یکی از ارکان نفاق را کسالت در حال نماز معرفی می‌کند: ﴿... وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كَسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ﴾ (توبه/۵۴)؛ «نماز را به جا نمی‌آورند جز در حالی که آنان کسل هستند و (اموالشان را در راه جهاد) مصرف نمی‌کنند مگر در حالی که آنان ناخشنودند».

با الغای خصوصیت از نماز و انفاق به عنوان دو عمل عبادی، به این نکته پی می‌بریم که عبادت همراه کسالت و اکراه، از نشانه‌های نفاق و فاصله گرفتن انسان از مسیر مستقیم عبودیت است.

۱۸. زیادی اموال و اولاد

قرآن کریم زیادی اموال و فرزند را اسباب دوری انسان از طریق هدایت و عبودیت معرفی می‌کند: ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزَهَّقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه/۵۵)؛ «و (فرزونی) اموالشان و فرزندانشان تو را به شگفت نیابرد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند و جان‌هایشان برآید، در حالی که آنان کافرنند».

علامه طباطبایی می‌گوید: از سیاق آیه بر می‌آید که مقصود، شیفتگی در برابر کثرت اولاد و اموال ایشان است... آری، این حقیقتی است که همه به چشم خود می‌بینیم که هر چه دنیا بیشتر به کسی روی بیاورد و از فراوانی مال و اولاد بیشتر برخوردار شود، به همان اندازه از موقف عبودیت دورتر و به هلاکت و عذاب‌های روحی نزدیک‌تر می‌شود و همواره در میان لذاذ مادّی و شکنجه‌های روحی غوطه می‌خورد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۴۶۵/۹).

۱۹. استهزاء و مسخره کردن افراد نادان

قرآن از رابطه و دوستی با کسانی که اذان و شعائر دینی و عبادات را مسخره می‌کنند، پرهیز می‌دهد (قرائتی، تفسیر نور، بی‌تا: ۱۱۵/۳). چون این امر برای افراد کم ظرفیت، اثرگذار

است و انسان را از انجام عبادات و بندگی خدا باز می‌دارد. ﴿وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (مائده/۵۸)؛ «و هنگامی که (مردم را با آذان) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که خردورزی نمی‌کنند».

۲۰. افراط و تفریط در عبادت

کم‌کاری و زیاده‌روی در عبادت هر دو مضر است و انسان را نسبت به عبادت متنفر می‌سازد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/۱۱۰)؛ «و نمازت را با صدای بلند نخوان، و (نیز) آن را بسیار آهسته نخوان، و بین آن (دو) راهی بجوی».

نکته اساسی در این آیه با توجه به الغای خصوصیت این است که این آیه باید الگویی باشد برای همه اعمال ما و تمام برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باید همه اینها دور از افراط کاری‌ها و تندروی‌ها و تفریط‌کاری و مسامحه و سهل‌انگاری باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی‌تا: ۳۲۹/۱۲).

۲۱. سهل‌انگاری در عبادت و کوچک شمردن آن

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (ماعون/۴-۵)؛ «و وای بر نمازگزاران (همان) کسانی که آنان از نمازشان غافل‌اند».

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: یعنی آنهایی که از نمازشان غافلند اهتمامی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند؛ چه به کلی فوت شود، چه بعضی از اوقات فوت گردد، چه وقت فضیلتش از دست برود و چه ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته ۱۱۷ و نمازی باطل بخوانند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۶۳۴/۲۰).

۲۲. دنیاپرستی و فعالیت‌های اقتصادی بدون هدف و برنامه

اهتمام به عباداتی که دارای زمان خاصی هستند، برای انسان برکات ویژه‌ای دارد که در صورت بی‌توجهی به آن انسان از مقام و منزلت والای عبودیت محروم می‌ماند. یکی از

عوامل مهم باز دارنده، دنیا پرستی و ترجیح دنیا و فعالیت‌های اقتصادی بر امور معنوی و دینی است. قرآن نیز به این آفت مهم اشاره می‌کند و مردم را از آن باز می‌دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ...﴾ (جمعه/۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا داده شود، پس به سوی یاد خدا بکوشید و معامله را رها کنید».

۲۳. محیط و جامعه فاسد

علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۶ سوره عنکبوت به نکته مهمی اشاره دارد و می‌فرماید: «فراخ بودن زمین کنایه است از اینکه در هر جای زمین از دین حق و عمل به آن جلوگیری شد؛ نواحی دیگر آن در اختیار شماسست بدون اینکه در آن نواحی شما را از دین داری جلوگیری کنند. پس عبادت خدای یکتا به هر حال ممتنع و محال نسیت» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۱۶/۲۱۶).

قرآن کریم در بیان تأثیر اجتماع و محیط می‌فرماید: ﴿وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف/۱۳۸).

موسی (علیه السلام) به امر الهی قیام کرد و با فرعون به مخالفت برخاست و مردم را به عبادت خداوند دعوت کرد. بنی اسرائیل به رهبری آن مرد بزرگ، از سیطره فرعون رهایی یافتند. اینان به جای آنکه شکرگذاری کنند و به شرک و انحراف نگرایند، با مشاهده مردمان بت پرست، تحت تأثیر قرار گرفتند و آن محیط فاسد بر افکارشان تأثیر گذاشت و آنان را به بت پرستی متمایل ساخت.

۱۱۸

۲۴. اشتغالات روزانه

اشتغالات روزانه مانع عبادت کامل و پیراسته از کاستی می‌شود، قرآن کریم به این نکته اشاره می‌فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْناً وَأَقْوَمُ قِيلاً إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً﴾

(مزمل/۶-۷)؛ «در حقیقت، تنها پدیده (عبادت) شب، گامی سخت‌تر و گفتاری پایدارتر است [چرا] که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است».

آیهٔ اولی در این مقام است که بیان کند چرا شب را برای این نماز (نماز شب) اختیار کردیم و آیه دوم در مقام این است که بیان کند چرا روز را انتخاب نکردیم... «سیح طویل» روز کنایه از غور در مهمات زندگی و انواع زد و بندها در برآوردن حوائج زندگی است و معنای آیه این است که تو در روز مشاغل بسیار داری که همه وقت را فرا گرفته، فراغتی برایت باقی نمی‌گذارد تا در آن با توجه تام متوجه درگاه پروردگارت باشی و از هر چیزی منقطع گردی؛ بنابراین، بر توست از شب استفاده کنی و در آن به نماز پرداز (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۲۰/۱۰۰).

نتیجه

عبادت کامل که قرب الهی را به دنبال دارد و موجب طهارت باطن و درون می‌گردد، عبادتی است که روشمند و طبق شرایط انجام شود. از این‌رو، دارای مبانی، اهداف، ویژگی‌ها و آسیب‌های خاص که باید مورد توجه قرار گیرد. توجه به این امور، تربیت عبادی شکل می‌گیرد که یکی از ابعاد تربیتی قرآن است که به شدت مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

منابع

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۳۸۷ش)، ترتیب مقایس اللغه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت، دارصار، چاپ سوم.
۳. امام خمینی، سید روح الله (بی‌تا)، آداب الصلوة، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (عج).
۴. امام خمینی، سید روح الله (بی‌تا)، سر الصلوة، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (عج).
۵. امام خمینی، سید روح الله (بی‌تا)، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۱. قرائتی، محسن (بی‌تا)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا.
۱۴. مجله قرآن و علم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
۱۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، مجموعه آثار، قم، صدرا، چاپ دوازدهم.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.